

تاریخ تمدن

گاهنامه‌ای سنگسری

در سه فرسنگی شمال شهرستان
همدان شهری واقع شده که سنگسر
نامیده میشود. این شهر از هر
چهار سوی محصور بکوههای
مرتفع و دارای آب و هوای سالم
و برای زندگی بسیار مناسب
است. بیماریهای بومی آن انگشت-
شمار است و بر خلاف دیگر
شهرستانهای شمالی ایران امراضی
مانند مalaria در آن دیده نمیشود.

سنگسر مرکز عشاير جسور
و سلحشور سنگسری است که
تعدادشان قریب به ۳۰ هزار نفر
است. سنگسریها دارای اندامی
بلند و موزون و بازو اندی تو اناهستند
جهة آنان گشاده چشم انشان
درشت و خرمائی رنگ و موی
آنان سیاه و گاهی بوراست. زنان

نگارنده

چرا غسلی عظمی «سنگسری»

ومردان سنگسر همکی فعال و کار دانند، هر گز قسلیم حوادث نمیشنوند، از مبارزه با مشکلات لذت میبرند، از باد و باران و برف و بوران نعیه را ندارند. جنگ و ستیز را لازمه زندگی میدانند، در سختیها برد بار و در دشمنی بپرسیم و در دوستی بسیار وفادارند. میهن خود را چون جان گرامی و شاهنشاه را تاصر حدد پرسش دارند.

سنگسریها دارای زندگی دو گانه هستند یعنی تقریباً نیمی از سال را در شهر بسر میبرند و برای نیم دیگر به مرآگز عشايری و گله داری خود کوچ میکنند باین قریب که در اوایل بهار بگروههای از هفت تا ۱۵ خانواده‌ای تقسیم شده به چراگاههای خود که در پیچ و خم کوههای البرز است و از کنار دامغان شروع شده و به ماورای کندوان ختم میشود میروند و در کنار چشمه سارهای زیبا و مرغزارهای پهناور، گوت GOT های خود را که همان قادر باشد بر افراشته ماهها در آن زندگی میکنند؛ فقط سرادارها هستند که در شهر میمانند و تعدادشان از ۲ هزار نفر تجاوز نمیکنند. آنها که دائم در شهر میمانند دهخون یعنی دهگان نامیده میشوند و آنانکه در کوهها جای میگیرند کوهخون یعنی کوهگان نامیده میشوند.

سنگسریها از فرزندان خالص اولین دسته های آریائی هستند که به میهن بزرگ و بیمانند ما ایران آمدند. هنوز پس از گذشت هزاران سال و با وجود تحولات و فرازو نشیبهای بیشمار این سر زمین نه تنها لهجه شیرین آریائی ویژه خود را با سرمهختی عجیبی که خاص آنهاست از آمیختن با واژه‌های بیگانه حفظ کرده‌اند بلکه در برقرارداشتن سدن باستانی فیز ته صب خاص نشان میدهند و آنرا در شهر و در ارد و گاههای خود موبماجران میکنند از این رو بجرأت میتوان گفت که زبان و طرز زندگی آنان نمودار نسبتاً کاملی از زبان و زندگانی ایرانیان باستان است

اکنون برای اینکه گوشهای از علاقمندی مردم سنگر را با آنین نیاکان با هجدو عظمت خودنشان دهم گاهنمای سنگسری و جشن‌های هربوط با آنرا مینگارم

سال سنگسر نیز دارای ۱۲ ماه ۳۰ روزه است اما برای روزهای اضافی همانطور که در ایران باستان مرسوم بوده است ایامی بنام پیتک Pitak دارند که شمارش آن بطور جداگانه صورت میگیرد و جزوی از ماهها محسوب نمیشود. منتها چون پیتک همیشه ۵ روز است و ساعات زائد بر ۳۶۵ روز را حساب نمیکنند موقعیت ماهها از لحاظ فضول بطور غیر محسوسی تغییر میباید با توجه به توضیح بالا ماههای سنگسری دروضع کنوفی بشرح زیر است

ویهار Vihar معنی بهار ۱ - آونده مو Avanah mo

Pitak - پی تک

Mas mo ۲ - مس مو

De mo ۳ - دمو

Tovaston - تابستان ۱ - گوجو GuJu

Nu sal ۲ - نوسال

seya mo ۳ - سیامو

Korach ۱ - کورچ Payiz پائیز

Owria ۲ - اوریا

Tira mo ۳ - تیر مو

Zamaston - زمستان ۱ - مرداله مو Mardala mo

Sharvara mo ۲ - شرور مو

Mironah mo ۳ - میرونه مو

توضیح :

در ایران باستان ماهها را ۳۰ روز حساب کرده و ۵ یا ۶ روز زائد را درست پس از اسفند و پیش از فروردین میاورده اند بنابراین چون «پی تک» سنگسری هم باید در پایان زمستان باشد ترتیب ماهها در اصل بطريق ذیل بوده است :

بهار - ۱ - مس مو

۲ - دمو

۳ - گوجو

تابستان-۱-نویل

- ۲ - سیامو
 - ۳ - کورچ
 - ۱ - ارویا
 - ۲ - قیرمو
 - ۳ - مردانه مو
- زمستان-۱ - شروره مو
- ۲ - میرونه مو
 - ۳ - آونه مو
- پیتک

با نغییر فوق می بینیم که مس‌مو بمعنی ماه بزرگ که اولین و مقدس‌ترین ماه ایران و ولادت زردشت در آن است در جای اصلی خود که ابتدای بهار است قرار می‌گیرد و ماه آبان که آخرین ماه سال در گاهشماه سفگسری است نیز بهجای اول خود بر می‌گردد

مندرجات کتاب آثار الباقيه ابوریحان بیرونی نیز دال براین مطلب است و پس از اشاره به ماه آبان و چشنه آبانگاه مینویسد: ... پنج روز آخر این ماه فرورد کان نام دارد در این روز در نواویس مرد کان طعام و شراب در پشت خانه های می‌گذاشتند و چنین گمان می‌گردند که ارواح مرد کان از جایگاه نواب و عقاب خود بیرون می‌آینند و از آن طعام و شراب می‌خورند و ... در این روز ایرانیان بایکدیگر اختلاف دارند برعکس کسویند پنج روز آخر آبان ماه است و برخی می‌گویند که آن اندر کاه است که خمسه لواحق آبان ماه و آذر ماه باشد و چون اختلاف در آن زیاد شد و تنازع در آن نمودند برای احتیاط هر دو را عید کرفتند زیرا یکی از از کان دین ایشان می‌باشد و پنج روز اول را فرورد کان اول گفتند و پنج روز آخر را فرورد کان دوم و این فرورد کان از اول بهتر است. اول لواحق زانده اول گهواره ششم است و در این روز بود که خداوند مردم را آفرید و نام آن همشتمیز مگاه است، بطوریکه می بینیم و میدانیم همشتمیز مگاه همان همسپت میدیم یعنی ششمین و آخرین گاهانبار

است که مقارن تجدید سال و موقع آفرینش انسان میباشد و فرود آمدن فروهران از اول آن شروع شد تا ده روز ادامه می‌باید ثانیاً ماهیکه در آن فروهران فرومیایند ماه اول سال نواست که بهمین مناسبت فروردین خوانده شده است. اینک چون بنا بگفته ابویرحان بیرونی گاهان بار ششم در آبان بوده باین نیجه میرسیم که در گاهنمای ایران قدیم بالااقل در صفحات شمال شرقی ایران که سنگسر نیز جزئی از آن است و بلافاصله بعد از آن (پیتمک) گاهان بار ششم قرار دارد و بعداز آن سال تجدید میشود.

همچنین در کتاب آثار الباقیه در فصول مربوط به اعیاد سفیدیان و خوارزمیان (ساکنین استانهای شمال شرقی ایران باستان) مذکور است که اول «نوسرد» از ماههای سفیدی اول تاستان بود و اهل خوارزم با اهل سفید در آغاز سال و ماه همراهند و اول تاستان نزد ایشان ناو سارجی است. هر گاه موقعیت اصلاح شده ماههای سنگسری را بطوریکه در بالا به آن اشاره شد قبول کنیم می‌بینیم که اول «نوستان» اول تاستان است و درست بر این تیر ماه قرار گرفته و معادل ماه اول تاستان سفیدیان و خوارزمیان یعنی «نوسرد» و ناو سارجی، میشود که حتی از لحاظ تلفظ بآنها بسیار نزدیک است.

همچین ماه تیر که در ایران باستان ماه خزان بوده (رجوع شود بفرهنگ شاهنامه طبع هندبسال ۱۸۹۷ میلادی) در جای ماه دوم خزان قرار میگیرد. با استناد از آثار الباقیه و اطلاعاتیکه از گاهان بارها و موقع فرود آمدن فروهران داریم موقعیت ماههای «آونه هو» و «نوستان» و «قیر هو» سنگسری در جایهای اصلی شان معلوم و معین گردید و چون مسلم اردیف ماهها را عشاير سنگسر حفظ کرده اند موقعیت سایر ماهها نیز بصورت اصلاح شده آن صحیح است و دیگر تردیدی در آن راه ندارد زیرا تغییر موقعیت فقط باحتساب ساعت اضافه برابر ۳۶۵ روز سال بوده و در ردیف ماههای دخالتی بعمل نیامده است بی مناسبت نیست که برای تصویر تغییر موقعیت غیر محسوس ماههای سنگسری بیک بیت شعر سنگسری اشاره کرده و آنرا تفسیر نمائیم.

شروعه مو اولی ویهاره Sharvara mo avoli viharah

خیمه و خر کاه میونی لاره Mayoni larah Kheimah vo khargan

یعنی ماه شهر بور اول بهار است - و خیمه و خر کاه میان لاراست.

اکنون نه تنها «شروعه مو» اول بهار نیست بلکه در قلب زمستان قرار گرفته و اول بهار برابر با ۲۱ آویمه است.

حال ببینیم «شروعه مو» چه وقت اول بهار بوده و این شعر درجه سالی سروده شده است. ابتدا ایام ماههای قبل از عید را بهم میافزائیم تا معلوم شود «شروعه مو» چند روز از نوروز دور شده.

۳۰ روز شروعه مو + ۳۰ دو زمیر و نه مو + ۲۱ روز آونه مو = ۸۱ روز جون برای هر یک روز فاصله گرفتن از نوروز چهار سال باید بگذرد بعبارت دیگر باید چهارشش ساعت زاند سال جمع شود تا یک روز تشکیل دهد، ۸۱ راض بردر ۴ میکنیم که میشود ۳۲۴ سال، پس شعر فوق در ۳۲۴ سال پیش که شروعه مو اول بهار بوده در سال هشتم سلطنت شاه صفی فرزند شاه عباس کبیر سروده شده است و در آن زمان عشاير سنگسر خیمه و خر کاه خود را در شروعه مو بر فراز کوهها میافراشتند.

بطوریکه در کتاب آثار الباقيه عن القرون الخالية هذکور است رسید کی بمسئله هزاد ایام سال در ایران باستان تحت نظر مستقیم شاهنشاهان بوده است با موقعیت امروزی «مس مو» و باحتساب ساعات اضافی معلوم میشود که سنگسرها برای آخرین بار در سال ۲۶ پادشاهی انوشیروان داد کر (۶۴ قبل از هجرت برابر ۵۵۷ میلادی) حساب گاهنمای خود را تصحیح نموده اند و در آن سال «مس مو» در جای اصلی خود بوده واز آن سال مانند سایر ماههای «پیشک»، گردش غیر محسوس داشته است و بر اثر بروز هرج و مرچ پس از انوشیروان وبالآخره قسلط اعراب موضوع رسید کی باین حساب که مربوط به خود شاهنشاهان بوده از بین رفته و و فراموش شده است.

اینک ترجمه ماهها تا آنجا که ممکن است.

۱ - مس مو بمعنی ماه بزرگ است

- ۲ - دموظا هرا به معنی دی ماه است
- ۳ - کو جو معنی آن معلوم نیست . شبیه است به ماه «کواز یا «کواد» سیستان قدیم . برداشمندان است که معنی آفراروشن کنند .
- ۴ - نوسال ظاهرآ معنی آن سال نواست اما اسم این ماه با «نوسرد» سفیدیان و «ناوسارجی» خوارزمیان باید از یلک ریشه باشد .
- ۵ - سیام و معنی ظاهری آن «ماه سیاه» است اما سنگسریها به «سیاه» میگوینند «س» پس «سیاه» باید معنی دیگری داشته باشد .
- ۶ - کورچ معنی آن معلوم نیست به «کریشت» که یکی از ماههای سیستان قدیم است شباخت دارد .
- ۷ - او ریا معنی آن معلوم نیست شاید Haurvatat هارواتات یا خرداد اوستائی باشد
- ۸ - تیر موماه تیر است
- ۹ - مرداده موباید همان ماه مرداد باشد
- ۱۰ - شروره مو باید همان ماه شهریور باشد
- ۱۱ - میرونه مو ماه مهر است
- ۱۲ - آونه مو ماه آبان است
- ۱۳ - پیتک بهیزک ایران قدیم است

Pitak پیتک

در قسمت پیش اسامی ماههای سنگسری و همه نین معنی و مفهوم آنها را تا حدود امکان بیان داشتیم اینک می پردازیم به پیتک که همان بهیزک یا آخرین روز در پایان سال است .

ایرانیان قدیم معتقد بودند که اهورامزدا جهان و جهانیان را در شش دوره آفریده که هر دوره آن ۵ روز بوده و کاهان بار یعنی هنگام جشن و سرور خوانده میشده است .

روز پنجم از چهار روز اول گرامی تر و جشن حقيقی است . اینک اوقات دوره های ششگانه را با توجه به آخرین روز آنها بدین ترتیب بیان میکنیم : کاهان بار اول ۴ روز بعد از نوروز است و هنگام آفرینش آسمان میباشد .

گاهان بار دوم ۱۰۵ روز پس از نوروز و هنگام آفریده شدن آب است. گاهان بار سوم ۱۸۰ روز پس از نوروز و هنگام آفرینش زمین است. گاهان بار چهارم ۲۱۰ روز پس از نوروز موقع خاتمه روئیدنیهاست. گاهان بار پنجم ۲۹۰ روز بعد از نوروز است و در آن جانداران آفریده شده‌اند. گاهان بار ششم ۳۶۵ روز پس از نوروز است و چون در آن انسان آفریده شده و کار آفرینش حسن ختام یافته است بر گاهان بارهای دیگر برتری داشته و دارای نماز مخصوص بوده و هر روز از آن بنام یکی از کاشهای زردشت است و مجموع آن «همسپات میدیم» Hamaspeth Maidyam نام دارد.

کرچه پنج گاهان بار اول در بین سنگسریها فراموش شده‌اما فقط آخرین و مهمترین آنها را بنام پیشک محفوظ نگاهداشته‌اند اما شرف وفضیلت آنرا بر سایر ایام سال افزاید برده‌اند.

در مجاهه سخن (آذر ماه ۱۳۳۸ - شماره ۹ - صفحه ۹۲) راجع به پیشک از زین الاخبار گردیزی چنین آمده است:

«روز بتیکان (بانزدهم دیماه) آن باشد که مغان تمامیل‌ها کنند چون مردم از گل و یا از آرد و آن تمامیل را از پس در هاست کنندوا کنون آن بگذاشته‌اند که آن به بت پرستی ماند و آنرا منکردار ند.»

پیشکی - Pitaki یعنی «هر بوط به پیشک» و آن سرمای پنج روز آخر سال است. سنگسریها عقیده دارند که هر پیشک همزمان با یک غروم Gharrum یعنی کولاک هواست و از این جهت آماده برای روبرو شدن با این سرمای احتمالی هستند و مانع زیان رسیدن به احشام خود می‌شوند.

ورمز Varmaz

اولین روز هر ماه را عشاير سنگسر ورمز می‌خوانند که همان «هرمز» یا «اهورامزدا» است و این رمز دیگری از اصالت فزادی آنهاست که با وجود گذشت صدها سال از تسلط اعراب هنوز نام اهورامزدا خدای بزرگ ایران باستان را از یاد نمیرده و را مقدس دانسته و در صدر هر ماه خود حفظ کرده‌اند.

بطوریکه میدانیم در گاهنمای ایران قدیم هر روز از ماهدارای نامی بوده و روز اول را بنام خدا (اهورامزدا) مینامیده‌اند.

فردوسی شاعر ملی ایران در بخش مربوط به تاجگذاری جمشید و جشن نوروز باین مطلب اشاره کرده میفرماید:

از آن بر شده فسره بخت اوی
جهان انجمعن شد بر تخت اوی
مر آن روز را روز نو خوانندند
به جمشید بـر گوهر افشارندند
بر آسوده از رنج تن دل ز کین
سر سال فـو هرمز فرودین
سنگسریها و رمز را روز مبارکی میدانند. در آن روز پیش از سر زدن آفتاب از خواب بر میخیزند و خود را برای مراسم آن آماده میکنند. زنان با بادیه‌های مسین بزرگ که روی سر خود حمل میکنند برای آوردن «ورمزی» و Varmazi یعنی «آب و رمز» خانه را ترک میکویند در بازگشت بتعداد افراد خانه سنگریزه در آب ریخته به خانه می‌آورند و یقین دارند که تندرستی خود و فرزندان خود را اقا لای برای یک ماه چون سنگ محکم و پایدار کرده‌اند. آنها که دارای کامی سبک هستند در بامداد و رمز با ظرفی آب خانه خود را ترک گفته آب را به پاشنه در بستگان و دوستان خود میریزند تا پلیدیها و بیماریها را از آنجا زایل کرده ضمناً آمدن خود را به ساکنین خانه اطلاع داده باشند زیرا تا این اشخاص که ورمزی Varmazi نامیده میشوند بپاشنه در آب نپاشند یا خود وارد خانه‌ای نشونند ساکنین آن خانه در را بروی دیگران نمیکشایند. در روز ورمز پیش از طلوع آفتاب دادن هرجیزی را بدیگران خصوصاً وام جایز نمیشمارند.

جدول مقایسه ماههای سنتی سری با ماههای چند نقطه از مازندران

ماههای سنتی	ماههای لاریجانی (نو)	ماههای چاوشی
Unâh maw	اونه ماه	Avânâ mo
Petak	پتک	Pitak
Awrekah mawh	آرکه ماه	Mas mo
Deà maw	دآمه	De mo
Vahmànâh mawh	وھمنه ماه	Guju
Nuruzâh mawh	نوروزه ماه	Nôsâl
Siaw maw	سیا ماه	Sia mo
Korchâh maw	کرچه ماه	Korach
Harah Mawh	هرمه ماه	Owià
Tirâh mawh	تیره ماه	Tira mo
Merdawleh mawh	مردانه ماه	Mârdâla mo
Sharvareh mawh	شروعه ماه	Sharvara mo
Muruneh maw	میرونه ماه	Mirona mo

* شبیه است به ماه «آرک» یا «آریکی» ارمنی (بعضی آفتاب)